فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشه نوین دینی
سال ۸، پائیز ۱۳۹۱، ش ۳۰
صفحات ۱۵۴ ـ ۱۳۹

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 8, Autumn 2012, No. 30

عدل الهی و کارآمدی نظام تربیتی اسلام

سید مرتضی هنرمند*

چکیده

عدل به‌عنوان یکی از صفات الهی، رابطه تنگاتنگی با نظام تربیتی اسلام در ابعاد مختلف، ازجمله معنویات، افکار، کمال انسان، عقائد، رفتار عمومی، امنیت روحی ـ روانی، امنیت و آرامش اجتماعی، تربیت و اخلاق فردی و اجتماعی و نوع نگرش انسان‌های معتقد و غیرمعتقد به عدل الهی دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر شخص مسلمانی که در این نظام تربیتی زندگی می کند، به عدل الهی اعتقاد درستی نداشته باشد، آثار اخلاقی و تربیتی آن در زمینه زندگی فردی و اجتماعی او بروز نخواهد کرد. در این مقاله سعی شده تا نقش و آثار اخلاقی و تربیتی اعتقاد به عدل الهی که مجموعه‌ای از مسائل گوناگون فردی و اجتماعی است، بررسی شود.

واژگان کلیدی

عدل الهی، کارآمدی، آثار، اخلاق، تربیت، نظام تربیتی.

طرح مسئله

عدل همیشه در کانون توجه حکما و متکلمان اسلامی بوده است؛ تا آنجاکه اختلاف در آن به ایجاد صفوف اعتقادی ـ کلامی در میان مسلمین انجامیده است. در این مقاله به آثار اخلاقی و تربیتی اعتقاد به عدل الهی در ابعاد گوناگون پرداخته می‌شود. اگر شخص مسلمان که در این نظام تربیتی زندگی می‌کند، به امری مانند عدل الهی، اعتقادی درست نداشته باشد، این آثار در زمینه زندگی فردی و اجتماعی او بروز نخواهد کرد.

---

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی مؤسسه آموزشی امام خمینی. nuvust@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۰

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

تعریف مفاهیم اساسی

۱. عدل

واژه «عدل» در لغت به‌معنای مساوات، قسط، انصاف، امری بین افراط و تفریط (دهخدا، ۱۳۴۱: ۳۴ / ۱۲۱؛ طوسی، ۱۳۵۶: ۱۳۱) و ... آمده است:

> أنّ الاصل الواحد في المادّة: هو توسّط بين الإفراط و التفريط بحيث لا تكون فيه زيادة و لا نقيصة، و هو الإعتدال و التوسّط الحقيقي؛ ریشه این ماده همان حد وسط میان افراط و تفریط است؛ به‌گونه‌ای‌که در آن زیادی و نقصان نباشد که بدان اعتدال و وسط حقیقی نیز گویند. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۸ / ۶۴)

عدل الهی به‌معنای رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به هر چیزی است که امکان وجود یا کمال وجود را دارد. موجودات نظام هستی از نظر قابلیت‌ها و امکان دریافت فیض از مبدأ هستی با یکدیگر متفاوت‌اند و هر موجودی در هر مرتبه‌ای از نظر قابلیت استفاضه، استحقاق ویژه خود را دارد. خداوند که کمال، خیر و فیاض مطلق است، به هر موجودی که وجود و کمال وجودی برای او ممکن است و شایستگی آن را نیز داشته باشد، وجود اعطا می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۷: ۶۳ ـ ۵۹)

۲. انواع عدل الهی

یک. تکوینی

نظام هستی و مجموعه قوانین حاکم بر آن، جلوه‌ای بارز و بی‌بدیل از عدل الهی است که همه ساختارهای آن در زمان و مکان مناسب و درخور خویش قرار دارد؛ بدون آنکه خللی در این مجموعه بزرگ به‌وجود آید؛ البته تفاوت بر سرتاپای این جهان و کثرت‌های آن سایه افکنده است که آن نیز منطقی عادلانه دارد. همان‌طورکه از لغت عدل برمی‌آید، جایگاه ویژه هر شیء از همه جهات با ظرفیت تکوینی و توانمندی ذاتی آن شیء سازگار است. (بنگرید به: پرور، ۱۳۸۲: ۶۹ ـ ۶۵ ؛ موسوی، ۱۳۸۰: ۳۹)

> و هو إعطاؤه تعالى كلّ موجود ما يستحقّه و يليق به من الوجود، فلا يهمل قابليّة ولا يعطّل استعداداً في مجال الإفاضة و الإيجاد. (سبحانی، ۱۴۲۳: ۱۶۴)
>
> خداوند به هر موجودی آنچه شایسته وجود اوست، اعطا کند و قابلیت‌ها و استعداهای او را در زمان افاضه و ایجاد در نظر دارد.

دو. تشریعی

مجموعه احکام، قوانین و دستوراتی که خداوند برای تنظیم نظام اجتماعی مقرر کرده و پیروی از آن را بر بندگان خویش ضروری شمرده است، جلوه دیگری از عدل الهی است؛ این احکام به دلایل زیر عادلانه است:

الف) وظایف بندگان متناسب با قدرت و توانایی آنهاست و خداوند دستوری خارج از توان بندگان به آنها نداده

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

است: «لاَ يُكَلِّفُ اللّهُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا؛ خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند» (بقره / ۲۸۶) و فراتر اینکه، خداوند احکام را آسان قرار داده است: «يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.» (بقره / ۱۸۵)

ب) تمامی احکام و قوانین الهی برپایه منافع همه‌جانبه افراد تشریع شده است که این به رشد و کمال علمی و ایمانی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها منجر می‌شود. ازاین‌رو در تعریف عدل تشریعی گفته‌اند:

> و هو انّه تعالی لا یهمل تکلیفاً فیه کمال الإنسان و سعادته، و به قوام حیاته المادّیة والمعنویة، الدنیویة و الأخرویة کما أنه لا یکلف نفساً فوق طاقتها. (همان: ۱۶۴)
>
> خداوند تکالیفی را که مایه کمال و سعادت دنیوی و اخروی انسان است، بیان نموده و بیش از طاقت بشر بر او تکلیف نکرده است.

سه. جزایی

جهان آخرت، صحنه بروز آثار واقعی اعمال انسان‌ها و هنگامهٔ حسابرسی به اعمال نیک و بد آنهاست. در این زمان، عدل الهی به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز متجلی می‌شود و با برپایی ترازوی عدل الهی، دقیق‌ترین ابزارهای سنجش به‌کار گرفته می‌شود:

> هو انّه تعالی لایساوي بین المصلح و المفسد و المؤمن و المشرک في مقام الجزاء و العقوبة، بل یجزي کلّ انسان بما کسب، فیجزي المحسن بالإحسان و الثواب، و المسيء بالاساءة و العقاب، کما أنّه تعالی لایعاقب عبداً علی مخالفة التکالیف إلّا بعد البیان و الإبلاغ. (همان: ۱۶۴)
>
> خداوند میان پاداش مؤمن و کافر به‌طور مساوی برخورد نمی‌کند؛ بلکه پاداش هر انسانی را با توجه به اعمال او می‌دهد. همچنین پاداش اعمال بعد از بیان و ابلاغ آنها صورت می‌گیرد.

۳. کارآمدی

کارآمدی به‌معنای درخور بودن، به‌کار آمدن، اثربخشی، مورد استعمال یافتن، مفید بودن و خدمت کردن است. در اصطلاح نیز به تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع، «کارآمدی» می‌گویند. معادل آن در زبان عربی «فعّال، مؤثر، فعّالیه و نفاذیه» و در زبان انگلیسی «efficiency» (توانایی ـ کارآیی)، «effective» (مؤثر ـ کارآمد)، «efficient» (قابل ـ کارآمد) و «effectiveness» (کارایی ـ کارآمد) است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۲۳ ـ ۲۱)

٤. اخلاق و تربیت

در بیان معنای لغوی واژه «تربیت» گفته شده: «أنّ الأصل الواحد في هذه المادّة: هو الإنتفاخ مع زیادة بمعني أن ینتفخ شيء في ذاته ثم یتحصّل له فضل و زیادة.» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۴ / ۳۹) همچنین در بیان تعریف اصطلاحی آن گفته‌اند: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت در آوردن و پروردن.» (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۵)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

راغب خَلق و خُلق را دارای یک ماده و اصل می‌داند؛ با این تفاوت که خَلق به اشکال و صورت‌های ظاهری که با چشم درک می‌شود و خُلق به قوا و سجایای باطنی که با بصیرت و بینش درک می‌شود، اختصاص دارد. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۵۹)

از نظر اصطلاحی، اخلاق معمولاً بر «ملکات و مجموعه صفات پایدار» یا «ساختار شخصیتی ویژه» اطلاق می‌شود که منشأ رفتارهای ویژه بدون نیاز به اندیشه و تأمل است. چنین تعریفی مورد قبول علمای علم اخلاق است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۳ ـ ۱۷؛ طوسی، ۱۳۵۶: ۱۰۱؛ غرویان، ۱۳۷۹: ۲۵؛ کریمیان صیقلانی، ۱۳۸۴: ۲۳) برخی ترجیح می‌دهند اخلاق را بر مجموعه صفات شخصیتی ـ چه پایدار و چه ناپایدار ـ که منجر به بروز رفتارهای مثبت می‌شود، اطلاق کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۷ ـ ۱۶) برخی دیگر، اطلاق آن را بر نظام اخلاقی یا نظریه هنجاری یک فرد یا گروه، همچون اخلاق عملی پیامبر اکرمﷺ یا اخلاق عملی ورزشکاران می‌پسندند. گاهی نیز اخلاق به‌معنای نهاد اخلاقی زندگی به‌کار می‌رود که کاربردی هم‌عرض هنر، علم و حقوق خواهد داشت. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۷ ـ ۱۳؛ خواص و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶)

آثار اخلاقی و تربیتی اعتقاد به عدل الهی

۱. نزدیکی و دستیابی به تقوا

از مهم‌ترین اهداف نظام تربیتی اسلام، پرهیزکاری یا رسیدن قرب الهی است. ازجمله مؤلفه‌هایی که در نظام اعتقادی اسلامی برای دستیابی به این هدف و کارا نمودن آن نظام کمک می‌کند، اعتقاد به عدل الهی است. گرچه عدل از اصول دین است، اثر رفتاری و گفتاری اعتقاد به آن ـ که همان نزدیکی به مرزهای تقواست ـ در رفتار و گفتار انسانی مورد نظر است؛ ازاین‌رو قرآن کریم می‌فرماید:

> يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُونُواْ قَوَّامِينَ لِلّهِ شُهَدَاء بِالقِسْطِ وَلاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (مائده / ۸)
>
> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

این آیه در مورد وقوع خطر احتمالی و یکی از آفات کارآیی تربیت فردی و اجتماعی، یعنی پیروی از هوای نفس در هنگام ادای شهادت و راهکار جلوگیری از آن سخن می‌گوید و سفارش می‌کند در مقام شهادت، از دخالت دادن کینه‌های گذشته خودداری کنید.

پس از نهی از دخالت اغراض شخصی در مقام شهادت، جمله «عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است» بر شهادت به قسط متفرع شده و نتیجه آن قرار گرفته است. البته عدالت در آیه، عدالت در مقام شهادت است؛ اما ازآنجاکه چنین عدالتی ثمره عملی و فرشی شدن اعتقاد به عدل الهی است و این رابطه از

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

فطرت نوع انسان که همان عدالت‌جویی و عدالت‌دوستی اوست، نشئت می‌گیرد و چنین عدالتی یکی از نمودهای عدل الهی است، درنتیجه اثر اخلاقی و تربیتی اعتقاد به عدل الهی در بُعد تقریب و دستیابی به تقوا به‌طور غیرمستقیم ظاهر می‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۲۴۱)

۲. شکر

شکر یعنی ظاهر کردن نعمت منعم با گفتار یا عمل. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۶۱) ازطرفی با توجه به‌معنای عدل، یعنی رعایت استحقاق و ظرفیت‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود را دارد، (مطهری، ۱۳۶۷: ۶۳ ـ ۵۹) خداوند که کمال و خیر و فیاض مطلق است، به هر موجودی که وجود و کمال وجودی برای او ممکن است و استحقاق و شایستگی آن را دارد، وجود عطا می‌کند.

هر معتقد به عدل الهی به‌خوبی درمی‌یابد که خداوند هر آنچه را فرد در زمینه تکامل و پیشرفت در امور معنوی و مادی نیاز داشته، به او عنایت نموده است و از این نظر، نقصی وجود ندارد. اگر کسی با به‌کارگیری این ظرفیت‌ها به درجه‌ای از پیشرفت مادی و معنوی رسید، باید طبق تعریف شکر ـ که همان اظهار نعمت منعم با گفتار و کردار است ـ به شکر عملی و گفتاری اقدام نماید و عمل و رفتار شایسته و متناسب با آن تکامل را از خود نشان دهد. به‌عبارت واضح‌تر، آن را در جهت رضایت خداوند صرف نماید و ابراز و اظهار چنین شکری فقط در کسانی مشاهده خواهد شد که اعتقادی راسخ به عدل الهی داشته باشند و بدانند همه اسبابِ رشد از آن اوست و او در ایجاد و در اختیار قرار دادن این اسباب در حق ما کوتاهی نکرده است. درنتیجه چنین اعتقادی خودبه‌خود شکر منعم را به‌همراه خواهد آورد و این همان اثر اخلاقی و تربیتی است که از اعتقاد به عدل الهی ناشی می‌شود.

در مقابل، کسانی که خداوند را عادل نمی‌دانند یا دست‌کم در چنین اعتقادی ضعیف‌اند و در هر مرحله از زندگی که کاستی‌ای مشاهده می‌کنند، می‌پندارند که نبود آن نقص، کمال آنهاست، نه‌تنها به شکرگزاری و اظهار نعمت منعم با رفتار و گفتار اقدام نمی‌کنند، شکر نعمت‌هایی را که دارند نیز به‌جای نیاورده، همیشه از خداوند طلبکار هستند. درنتیجه اثر اخلاقی و تربیتی پیش‌گفته در چنین افراد یا جوامعی محقق نمی‌شود. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۹۱؛ بنگرید به: بطحایی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۱۸۶؛ دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۶؛ جزایری، ۱۳۸۲: ۲۶۷ ـ ۲۶۶)

۳. صبر

«صبر» در لغت به‌معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۲۱) صبر از نظر موضوع انواع مختلفی دارد؛ گاهی صبر بر سختی‌ها و مصیبت‌ها و عدم اضطراب و پریشانی و حفظ سعه صدر در مقابل آنهاست که به آن «صبر بر مکروهات» می‌گویند و در مقابل آن جزع و بی‌قراری قرار دارد. گاهی صبر در مقابل سرکشیِ غضب و خشم است که «حلم» نام دارد. گاهی نیز صبر در انجام عبادات است

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

که در مقابل آن فسق ـ به‌معنای عدم پای‌بندی به عبادات شرعی ـ قرار دارد. گاهی هم صبر در برابر شهوات و غریزه جنسی است که «عفت» نام دارد.

شخص معتقد به عدل الهی در همه اقسام سه‌گانه، عکس‌العملی زیبا و درخور خود بروز می‌دهد. او به‌خوبی از فلسفه ابتلا به مصیبت‌ها، بلایا و آفات اطلاع داشته، آن را نوعی امتحان و مایه رشد و تکامل می‌داند و خارج از دایره عدل الهی محسوب نمی‌کند؛ چراکه در کنار عدل، او به حکمت نیز واقف است؛ ازاین‌رو هنگام بلا و مصیبت به جزع و فزع و شکایت و گلایه نمی‌پردازد.

صبر بر طاعت و بندگی خداوند و گردن نهادن به اوامر و نواهی او نیز دارای مراتبی است. در این محدوده، کسی که اعتقاد صحیحی به عدل الهی داشته باشد، درمی‌یابد که تکالیف الهی در حد توان و ظرفیت بشر در نظر گرفته شده است و خداوند تکلیفی بیش از طاقت بشر بر گردن او نگذاشته است. در اینجا صبر و تحمل سختیِ عمل به فرائض و نواهی، خود را به‌نحو بارزی نشان می‌دهد.

۴. توکل به خداوند و تفویض امور به او

توکل و وکول در لغت به‌معنای ترک و واگذاری کاری به دیگری و تفویض به اوست. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۲۱۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۱۵ / ۳۸۷) این واژه در اصطلاح علم اخلاق نیز به‌معنای اعتماد و اطمینان قلبی انسان به خداوند در همه امور خویش و بیزاری از هر قدرتی غیر از او و اعتقاد به این است که خداوند برتر از همه اسباب است. ازجمله اینکه او متکفل روزی انسان است و باید بر او تکیه و توکل نمود. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۰۳؛ جزایری، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

اعتقاد به اینکه خداوند برای همگان، وسایل رشد و تکامل مادی و معنوی را فراهم نموده و به هیچ‌کس ظلمی نکرده است، موجب اطمینان و اعتماد انسان و جوامع معتقد به عدل الهی به خداوند می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که چنین انسان و جامعه‌ای در سایه تلاش و به‌کارگیری اسباب در جهت رسیدن به اهداف مادی و معنوی گام برمی‌دارد؛ اما در ورای همه، خداوند را مسبب تمام اسباب و مسلط بر تمام عوامل رشد و تکامل خود می‌داند: «وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.» (طلاق / ۳)

۵. تلاش و مواظبت بر عمل، طاعت و بندگی

قرآن انسان را بر انجام عمل خیر و اهتمام بر این دو ترغیب نموده و وعده پاداش نیکو داده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ.» (نحل / ۹۷)

عاملی که می‌تواند انسان را در جهت تلاش و مواظبت بر عمل و بندگی یاری کند، اعتقاد به عدل الهی است. تأثیر این اعتقاد چنین است که شخص معتقد می‌داند خداوند براساس عدل خود، تمام ظرفیت و استحقاق لازم برای رسیدن به قرب و کمال را در وجود انسان قرار داده و راه برای رسیدن به قله کمال برای او باز است؛

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

ازاین‌جهت، عدل الهی موجب تکاپوی فرد به‌سمت قله کمال شده، اهتمام او را در جهت بندگی برمی‌انگیزد.

ازطرفی‌دیگر، عدل الهی و تجلی آن در روز قیامت، جنبه مثبت دیگری از ایجاد انگیزش در انسان برای تلاش در جهت بندگی است؛ چراکه شخص معتقد به عدل الهی، به نتیجه‌بخش بودن این تلاش و رسیدن به ثواب و رحمت‌های الهی، امید و یقین پیدا می‌نماید و چنین اعتقادی به ظهور یکی از آثار اخلاقی و تربیتی، یعنی تلاش و مواظبت بر عمل و بندگی می‌انجامد.

۶ . اقتصاد، قناعت و جهت‌گیری نفس نسبت به مواهب دنیوی (زهد)

«اقتصاد» در لغت به‌معنای استقامت و مراد از آن در اینجا پیش گرفتن حالت اعتدال میان افراط و تفریط در صرف مال و انفاق است. این معنا نزدیک به‌معنای قناعت است. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۵۵؛ جزایری، ۱۳۸۲: ۸۳)

ازطرفی، نظام تربیتی اسلام در باب تولید ثروت و مالکیت دارای اصولی است که بخشی از آن مربوط به باور و اندیشه انسان، برخی مربوط به صفات و ملکات نفسانی و شماری ناظر به رفتار اقتصادی انسان است؛ در بخش باور و اعتقاد چند نکته مهم است؛ ازجمله اینکه روزی‌دهنده خداست: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو القُوَّةِ المَتِينُ» (ذاریات / ۵۸) و با حرص‌ورزی، روزی فرد افزون نمی‌شود. امام علی﵇ فرمودند: «چه‌بسا انسان‌هایی که در طلب روزی، خود را به رنج می‌افکنند؛ اما در سختی و تنگدستی به‌سر می‌برند و بسا کسانی که در طلب روزی میانه‌روی می‌کنند و دست تقدیر آنان را یاری می‌رساند.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷۳)

انسان و جامعهٔ معتقد به عدل الهی، ازیک‌سو می‌داند که خداوند متعال براساس حکمتش، روزی حلال انسان‌ها را مقدّر نموده و این تقدیر براساس عدل و استحقاق و ظرفیت انسان‌ها بوده و به هیچ‌کس ظلمی نشده است. ازسویی‌دیگر، چنین امری منجر به جبرگرایی نمی‌شود؛ زیرا خداوند اعطای روزی را در گرو تلاش قرار داده و افزون بر آن، علم، تدبیر و تقدیر معیشت را از شرایط اصلی تحصیل معاش مقرر فرموده است.

توجه به این اصول اعتقادی در باب تقدیر روزی، مسئله قبض و بسط روزی را به‌آسانی حل می‌کند و شبهه عدم عدالت در قبض روزی نسبت‌به برخی افراد و بسط آن نسبت‌به افراد دیگر دفع می‌شود و جهت‌گیری انسان به مواهب دنیوی را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که زهدورزی، عدم دلبستگی، عدم زیاده‌خواهی دنیوی و عدم حرص‌ورزی در او تقویت شود. رسیدن به چنین مقامی، رشد و کارآمدی نظام تربیتی اسلام را در باب تربیت اخلاقی فرد و جامعه به‌همراه می‌آورد. براساس این تفکر، در کنار روزی‌هایی که انسان آن را می‌جوید، روزی‌هایی ازطرف خداوند مقدر می‌شوند که انسان‌ها را می‌جویند. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۲۰۷ ـ ۲۲۴)

۷. عدم یأس از رحمت الهی و عدم ایمنی از مکر او

امید به رحمت الهی و حسن عاقبت خویش از فضایل مهم اخلاقی و تربیتی است. رجا یعنی احساس راحتی قلب درنتیجهٔ تحقق امری که نزد فرد، محبوب و خوشایند است؛ البته به‌شرط آنکه بیشتر اسباب آن امرِ محبوب محقق باشد. در قرآن کریم و روایات، امید به رحمت الهی و فرجامِ نیکو، از جهات مختلف و به

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

بیان‌های گوناگون تأکید شده است؛ ازجمله محکومیت ناامیدی از رحمت خداوند: «وَلاَ تَيْأَسُواْ مِن رَّوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لاَ يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللّهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.» (یوسف / ۸۷)

البته امید افراطی و عدم آماده‌سازی و تحقق اسباب و امیدواری بدون عمل از آفات چنین اعتقادی است؛ چراکه در نظام تربیتی اسلام، سعادتمندی جز از مسیر عمل صالح نمی‌گذرد و سستی و تفریط در انجام اعمال صالح و زیاده‌روی در امید به بخشایش خداوند، موجب احساس ایمنی از مکر او می‌گردد که یکی از رذایل اخلاقی است. ایمن پنداشتن خویش از عذاب و مکر الهی با خوف از خداوند فرق دارد. احساس ایمنی از مکر خداوند، سرآغاز غلتیدن در عصیان اوست. انبیا هرگز خویش را ایمن نمی‌پنداشتند و همواره از عذاب خداوند بیمناک بودند: (بنگرید به: همان: ۱۳۳ ـ ۱۳۱) «أَفَأَمِنُواْ مَكْرَ اللّهِ فَلاَ يَأْمَنُ مَكْرَ اللّهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ یا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند.» (اعراف / ۹۹)

ازاین‌رو انسان باید تلاش کند تا این دو حالت را از خود دور نماید. راه‌های فراوانی برای اصلاح این دو حالت بیان شده است؛ ازجمله تأمل و تفکر در مفاد آیات و روایات، توجه به حکم عقل انسان به قبح این دو حالت، شمول و وسعت رحمت و فضل الهی و قدرت او در بخشش گناهان.

یکی دیگر از راه‌هایی که به عدم یأس از رحمت الهی و عدم ایمنی از مکر او می‌انجامد، اعتقاد به عدل الهی است؛ چراکه فرد معتقد به عدل الهی، بین بیم از عذاب خداوند و امید به رحمت‌های او به‌سر می‌برد و از رعایت عدل خداوند در اعطای پاداش و کیفر در قبال اعمال خوب و بد آگاهی دارد. این توجه و اعتقاد، فرد را از مکر الهی ایمن نمی‌کند و ازطرفی دیگر، از رحمت خداوند مأیوس نمی‌گرداند؛ زیرا خداوند پاداش اعمال صالح انسان‌ها را به‌طور کامل اعطا می‌کند: «وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ؛ و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است.» (توبه / ۱۱۱)

۸. حسد نورزیدن

«حسد» تمنای زوال نعمتی از دیگری است؛ آن‌هم نعمتی که صلاح او باشد. درباره آفات، مراتب، عوامل ایجادکننده و راه‌های درمان حسد سخن بسیار است؛ یکی از راه‌های درمان حسد، توجه به صفت عدل، حکمت و مشیت الهی است. این صفات اقتضا می‌کنند که به کسی نعمتی داده شود؛ اما انسان حسود، زوال این نعمت و خلاف عدل، حکمت و اراده خداوند را می‌طلبد. درنتیجه توجه به عدل و دیگر صفات الهی در درمان چنین رذیله اخلاقی ـ که گاه به کفر منتهی می‌شود ـ بسیار مفید است؛ چراکه دایره رحمت و نعمت‌های الهی بسیار گسترده است و خداوند با اعطای نعمتی به کسی، راه‌های رسیدن به آن نعمت را از دیگران منع نمی‌کند؛ پس چه منفعتی در تمنای زوال نعمت دیگران وجود دارد: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ؛ بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده، رشک می‌ورزند.» (نساء / ۵۴)

حتی توجه به صفت عدل الهی می‌تواند این صفت رذیله را تبدیل به غبطه و منافسه کند که فرد، تمنای

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

زوال نعمت از کسی را نمی‌کند؛ بلکه مثل آن را برای خود می‌خواهد. (نراقی، ۱۳۸۱: ۴۵۷ ـ ۴۴۳؛ مشکینی، ۱۳۷۴: ۲۳۹) حضرت سیدالساجدین﵇ دراین‌باره می‌فرماید: «شَهِدْتُ أَنَّ اللهَ قَسَّمَ مَعايِشَ عِبادَهُ بِالْعَدْلِ.» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۵)

۹. پرهیز از گناه و تعجیل در توبه

«توبه» به‌معنای بازگشت به‌سوی خدا و خالی کردن دل از قصد معصیت و رسیدن به قرب الهی با ترک معاصی، عزم بر ترک آنها در آینده و تلافی کوتاهی‌هاست. یکی از عواملی که می‌تواند به گناه نکردن و تعجیل در توبه کمک کند، اعتقاد به عدل الهی است؛ چراکه چنین معتقدی ازطرفی می‌داند که گناهان، حجابی میان او و سعادت دنیوی و اخروی و رسیدن به مراتب عالی می‌باشد. ازطرف‌دیگر، او واقف است که:

یک. خداوند عادل‌ترین است: «یا أعدل العادلین.» (همان، دعای ۴۵)

دو. خداوند در حکم و قضای خود نیز عادل است و ظلم در کار او راه ندارد: «قائم بالقسط، عدل في الحکم؛ ای خدایی که به عدالت قیام و در حکم نمودن به عدل رفتار می‌کنی» (همان، دعای ۶)؛ «عدل في قضائك؛ قضای تو از روی عدل است» (همان، دعای ۲۱)؛ «عدلاً من قضائك لا تجور فیه؛ قضای تو از روی عدل است و در آن ستمی نیست» (همان، دعای ۴۶)؛ «وقضیت فکان عدلاً ما قضیت؛ هرآنچه را تقدیر نمودی، از روی عدل بوده است» (همان، دعای ۴۷)؛ «ومیزان قسط لایحیف عن الحق لسانه؛ ترازوی عدل تو از حق فاصله نمی‌گیرد.» (همان، دعای ۴۲)

سه. خداوند از روی عدل، ثواب و عقاب می‌دهد: «ولا ینکر ـ یا إلهي ـ عدلك إن عاقبته؛ اگر او را عقاب کنی، عدل تو را انکار نمی‌کند» (همان، دعای ۳۱)؛ «وخلصني مما یحکم به عدلك؛ از کیفری که مقتضای عدل توست، نجاتم ده» (همان، دعای ۳۹)؛ «وعقوبتك عدل» (همان، دعای ۴۵) و «إن تعذبني فإني لذلك أهل، وهو یا رب منك عدل؛ اگر مرا عذاب کنی، من شایسته آنم و این امر از ناحیه تو عین عدالت است» (همان، دعای ۵۰)

چهار. ترس از عدل خداوند و عدم تحمل آن: «وکرمت أن یخاف منك إلا العدل؛ و منزه از آنی که جز از جهت عدل تو بترسند» (همان، دعای ۳۷)؛ و «وأجرنا من عذابك بتجاوزك، فإنه لا طاقة لنا بعدلك؛ خدایا به آیین چشم‌پوشی از گناهان ما درگذر که ما را طاقت عدل تو نیست.» (همان، دعای ۱۰)

بر این اساس، چنین اعتقادی به وی کمک می‌کند تا حد امکان از ارتکاب گناهان پرهیز کند و در صورت ارتکاب آنها، اظهار پشیمانی و ندامت کرده، در توبه تعجیل نماید. این وجهِ کارآمدی نظام تربیتی اسلام است.

۱۰. حسن ظن به خداوند و اعتماد به او

سوء ظن به خداوند ممکن است در اثر عوامل فراوانی ازجمله ترس و ضعف نفس، (نراقی، ۱۳۸۱: ۲۳۱) غلبه حالت ترس و درنتیجه ایجاد یأس از رحمت الهی، ایجاد روحیه نفاق در انسان، (مشکینی، ۱۳۷۴: ۸۳) ناپاکی

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

درون، محیط تربیتی، گسترش فساد در یک زمان و مکـان و معاشـرت بـا افـراد ناصـالح روی دهـد. (مکـارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

یکی از راه‌های اعتقادی که اثر مستقیمی بر رفع، درمان و بروز حالت حسن ظن به خداوند و اعتماد بـه او دارد، توجه و اعتقاد صحیح به عدل خداوند است؛ چراکه ممکن است حالت سوء ظن به خداوند و عدم اعتمـاد به او از ناحیه درک نادرست عدل تکوینی باشد؛ چه‌بسا شخصی از ناحیه تکوین در خویش، احساس کمبـود و کاستی نماید و این را ظلمی از ناحیه خداوند تلقی نماید؛ درحالی‌که اگر به‌معنای دقیق عدل تکوینی، این‌گونـه توجه کنیم که خداوند به هرآنچه وی برای رشد و تکامل نیاز داشته، به‌اندازه ظرفیت و استحقاق وجـودی‌اش اعطا کرده و ظلمی صورت نگرفته است، در این حالت سوء ظن و بی‌اعتمادی به خداوند جای خود را به حسن ظن و اعتماد به او خواهد داد.

ازطرف‌دیگر ممکن است حالت سوء ظن به خداوند و بـی‌اعتمـادی بـه او از ناحیـه درک نادرسـت عـدل تشریعی صورت گرفته باشد. ممکن است شخص بپندارد که اعمال و تکالیف وضع‌شده از ناحیه خداونـد فـوق طاقت اوست و چنین عواملی او را به ورطه سوء ظن به خداوند و عدم اعتماد به او بکشاند. در این ناحیـه نیـز توجه به عدل تشریعی الهی کارسـاز اسـت؛ چراکـه براسـاس آن، خداونـد در بیـان و اعـلام تمـام تکـالیف و برنامه‌هایی که بشر برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی نیاز داشته، اهمال نکرده و این تکالیف بـا توجـه به قدرت او در نظر گرفته شده و ازاین‌جهت ظلمی صورت نگرفته است.

ازسوی‌دیگر ممکن است این سوء ظن از ناحیه بدفهمی در ناحیه عدل جزایی ایجاد شـده باشـد و در اثـر همین عامل یا به‌هردلیل دیگر، شخص در انجام تکالیف سهل‌انگاری نموده، جزء گناهکـاران محسـوب شـود که این خود به ایجاد نوعی ترس از عذاب الهی و در نتیجه یأس از رحمت او می‌انجامد.

برای درمان چنین سوء ظنی چند راهکار ارائه شده است؛ راهکار اول توجه به اصل معنـای عـدل جزایـی است؛ بنابر چنین عدلی، اعطای ثواب و جزا براساس اعمال خوب و بد است و چنـین اعطـایی بعـد از بیـان و ابلاغ تکالیف صورت می‌گیرد. درنتیجه جایی برای ایجاد ترس از عذاب الهی و یـأس از رحمـت الهـی وجـود ندارد. راهکار دوم آن است که انسان به وعده الهی در قرآن کریم مبنی‌بـر شـمول رحمـت و مغفـرتش بـرای گناهکاران و سبقت رحمت و بخشایش خود بر غضب و عقابش توجه نماید تا حالت رجـا و امیـد بـه رحمـت الهی بر حالت خوف و یأس از رحمت او غلبه نماید. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۸۳) در روایتی از امام صـادق﵇ آمـده است: «حُسْنُ الظَّنِّ بِاللهِ أنْ لاتَرْجُوا اِلّا اللهَ و لاتَخافُ اِلّا ذَنْبَک؛ حسن ظن به خداوند آن است که جز بـه خداونـد امید نبندی و جز از گناهان خویش نهراسی.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۲۳۰، ح ۲۰۳۵۱)

۱۱. خوف و رجا

خوف و رجا از اوصاف قلبی و نفسانی و وجود آن دو از ذاتیات و فطریات انسان است؛ امـا در اشـخاص دارای

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

شدت و ضعف می‌باشد. مراد از خوف، خوف از غضب، سخط، عذاب‌های دنیوی و اخروی خداوند است و مراد از رجا نیز امیدواری رحمت، قرب و احسان خداوند در دنیا و رسیدن به مقام رضا و بهشت او در آخرت است. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۷۷)

خوف و رجا از صفات ذاتی انسان است که از حالت ضعف، خاموشی و ناپسند به حالت شدت، تعادل و پسندیده می‌رسند و در سایه آن «ورع»، «تقوا» و «صدق» که از درجات «خوف» می‌باشند، تقویت و باعث می‌شود آدمی علاوه بر خودداری از محرمات، مرتکب شبهات هم نشود که به آن «تقوا» گفته می‌شود. در مرتبه‌ای بالاتر، انسان حتی از انجام برخی از امور مجاز و مباح نیز پرهیز می‌کند تا مبادا زمینه ازتکاب حرام را فراهم کند که به آن «صدق در تقوا» گفته می‌شود؛ سرانجام آنگاه که انسان درنتیجه شدت خوف از خداوند سرتا پا آماده خدمت می‌شود و بیش از نیازش مسکنی نمی‌سازد، مالی را نمی‌اندوزد، به مالی که می‌داند روزی آن را ترک خواهد نمود، توجه نمی‌کند و هیچ نَفَسی از نفس‌هایش را در راه غیر خدا صرف نمی‌نماید. درحقیقت او در وادی «صدق» قدم نهاده است و صاحب چنین مقامی را «صدّیق» می‌گویند. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۱۰۰ ـ ۹۵)

ازطرفی، نوع اثرگذاری اعتقاد به عدل الهی بر مناسبات بیم و امید از دو منظر قابل بررسی است؛ یکی چگونگی و میزان حاکمیت هریک بر قلب انسان؛ یعنی این نسبت باید به میزانی باشد که هیچ‌یک از آن دو از کارآمدی، حرکت و عمل‌آفرینی دیگری نکاهد و هر دو در حالت تعادل، ابزاری برای عمل صالح و تقرب به‌سوی خداوند باشند؛ زیرا بیم و خوف به‌معنای نگرانی قلبی درنتیجهٔ انتظار امری ناخوشایند و ممکن‌الحصول در آینده است. بنابراین همان‌طورکه وقوع آن محتمل است، عدم آن نیز احتمال دارد و همچنان‌که وقوع آن ناخوشایند است، عدم آن نیز خوشایند است و انتظار عدم آن، مایه امید خواهد بود. بنابراین هر امیدی در دامن خود، بیمی را به‌همراه دارد و برعکس.

منظر دیگر بحث، ازجهت مقام، منزلت و میزان ارزشمندی آن دو در مقایسه با یکدیگر است؛ یعنی اینکه آیا امید ارزشمندتر از بیم است یا برعکس؟ در این جهت توجه به وضعیت افراد مهم است؛ چراکه برخی را «امید» و برخی دیگر را «بیم» به حرکت درمی‌آورد؛ اما به‌لحاظ ماهیت بیم و امید، از آیات و روایات این‌گونه برمی‌آید که امید به رحمت الهی بر بیم از او برتری دارد. (همان) «یا من سبقت رحمتُه غضبَه؛ ای خدایی که رحمت او بر غضبش سبقت گرفته است» (قمی، ۱۴۰۵، دعای جوشن کبیر: بند۲۰ / ۱۳۵) و «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ؛ رحمت من هر چیزی را در برگرفته است.» (اعراف / ۱۵۶)

۱۲. پرهیز از بخل

مراد از «بخل» حالتی باطنی و صفتی نفسانی است که باعث خودداری از انفاق می‌شود. بخل از زشت‌ترین صفات نفسانی و دارای مراتبی، مانند بخل در بذل جان، مال، حقوق الهی و مردمی است. این صفت از حبّ

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

دنیا به‌وجود می‌آید و شخص بخیل گمان می‌کند اگر بذلی کند، فقیر خواهد شد و به‌دست آوردن مال مبذول ممکن نخواهد بود؛ اما با توجه به عدل الهی در ساحت تکوینی، خداوند به هر موجودی آنچه شایستگی وجودی آن را داشته، اعطا نموده و کوتاهی نکرده است و شخص را به‌گونه‌ای تربیت می‌کند که آنچه از مال او کاسته شده، با کوشش بازمی‌گردد. به بیان دیگر، راه برای رسیدن به مواهب مادی بسته نشده است. (مشکینی، ۱۳۷۴: ۲۵۱؛ بنگرید به: نراقی، ۱۳۸۱: ۳۱۴ ـ ۳۰۹)

۱۳. پرورش و گسترش روح و فرهنگ عدالت‌خواهی

ازآنجاکه عدالت ورزیدن با جنبه‌های مختلف آن جزء فضایل اخلاقی است، تحقق عدالت در جامعه ـ همچون دیگر آرمان‌های اجتماعی ـ بیش از هر چیز نیازمند پشتوانه‌های فرهنگی است تا در پرتو آن، افکار عمومی و فضای حاکم بر جامعه برای پذیرش و حمایت از قوانین و برنامه‌های عادلانه آماده گردد و امکان شکل‌گیری حرکتی فراگیر برای دستیابی به این هدف فراهم شود. آگاه ساختن مردم از مفهوم حق و حقوق اجتماعی، بیان اهمیت رعایت آن و مقابله با هرگونه تخلف و تجاوز به اموال عمومی، پیش‌زمینه‌های گسترش فرهنگ عدالت‌خواهی در جامعه است.

از بررسی سیره و منش عملی امام علی﵇ نیز چنین برمی‌آید که آن حضرت در دوران خلافت خویش با ارتقای سطح آگاهی‌های مردم درباره عدالت، آنان را به احیای حقوق بیت‌المال و گسترش فرهنگ عدالت‌خواهی فرامی‌خواند. دراین‌باره می‌توان به موارد و مصادیق مشخص و محسوسی اشاره نمود؛ ازجمله تقسیم و مراقبت دقیق ایشان از اموال بیت‌المال، (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱ / ۱۰۵؛ مطهری، ۱۳۸۵: ۲۲ ـ ۲۰) رسیدگی بی‌واسطه به سؤالات مردم در بیرون دارالاماره و توصیه به والیان تمام شهرها به چنین کاری، عدم سوء استفاده از خلافت و توجه به شایستگی‌ها. (پرور، ۱۳۸۲: ۱۰۹؛ بنگرید به: حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۱۶)

۱۴. آزادی و حدود الهی

ما معتقدیم خداوند عادل است و با تمام مخلوقات خود به عدل رفتار می‌کند. عدالت باری‌تعالی ازسویی در جهان هستی و نظام خلقت و ازسوی‌دیگر در وجود انسان به‌عنوان مهم‌ترین جزء هستی، ساری و جاری است و این عدل تکوینی، عامل اصلی وجود و بقای جهان هستی و انسان بشمار می‌رود و استمرار حرکت و تکامل آنها را تضمین می‌کند.

در نظام انسان‌شناختی اسلام، به‌دلیل وجود ارتباط تنگاتنگ بین کنش‌های اختیاری انسان و باور به مبدأ و معاد، آدمی ازیک‌سو خود را در محضر خدا و درنتیجه مورد توجه و نظارت او می‌بیند و ازسویی‌دیگر نیز بر این باور است که کوچک‌ترین رفتارهای وی در رساندن او به سعادت یا شقاوت ابدی تأثیر فراوانی دارد. ازاین‌رو از انجام کارهایی که در تضاد با برداشت‌های کلی هستی‌شناسانه او باشد، اجتناب خواهد کرد. این کنترل به این معنا نیست که همانند مکاتب جبری، انسان را گرفتار تنگناهای جبر نموده، کرامت او را زیر پا

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

نهد؛ بلکه با دادن ایده کرامت و آزادی، دست او را در زمینه شکوفاسازی ظرفیت‌ها و زمینه‌های بالقوّه او باز گذاشته است.

این بینش به‌رغم آزادپروری و دادن میدان عمل، انسان را به‌گونه‌ای هنجارمند و معیارمدار بار می‌آورد که اِعمال آزادی‌هایش، کرامت الهی و آزادی او را خدشه‌دار نکند. آزادی و انتخاب انسان و چگونگی آن، یکی از مسائل اساسی انسان‌شناسی دینی است که منطقی بودن وجود ادیان و پذیرش هرگونه نظام تعلیم، تربیت و اخلاق با پذیرفتن این اصل توجیه می‌شود.

ازطرفی، قوام و هویت یک جامعه اسلامی به اجرای حدود الهی در آن بستگی دارد و یکی از مهم‌ترین اهداف دین اسلام، اجرای این حدود است که درعین‌حال سلامت و سعادت جوامع را نیز به‌دنبال دارد و جامعه‌ای که در آن حدود الهی اجرا نشود، نمی‌تواند یک جامعه اسلامی باشد. همچنین حد و مرز آزادی در جوامع اسلامی تا جایی است که حدود الهی خدشه‌دار یا معطل نشود. این حدود تحت هیچ شرایطی نباید معطل بماند و منظور از حدود الهی همان حد و مرز مشخص برای آزادی همگان و به‌ویژه مخالفان است. (شاملی، ۱۳۸۶: ۹۲؛ بنگرید: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۱۹۲ ـ ۲۱۶)

۱۵. شکوفایی استعدادها

از دیگر آثار اعتقاد به عدل الهی که نقش بسیار مؤثری در تغییر نگرش انسان به زندگی دارد و نظام تربیتی ـ اخلاقی اسلام نیز بر آن پای می‌فشرد، به‌کارگیری استعدادهایی است که خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده است. براساس تعریفی که برای عدل الهی نمودیم (ایجاد تمام ظرفیت‌ها و استعدادهای لازم برای رشد و تعالی هر فرد چه به‌لحاظ تکوینی و یا تشریعی) هر فرد معتقد به عدل الهی از به‌کارگیری و شکوفا نمودن استعدادهای خویش کوتاهی نمی‌کند یا دست‌کم از به‌کار بردن کلمات یأس‌آمیز مانند «نمی‌شود» یا «نمی‌توانم» خودداری می‌کند و ازطرفی‌دیگر، روحیه به‌کارگیری اراده‌ای محکم و مبتنی بر استعداد و ظرفیت‌های به ودیعه‌گذاشته در خود را تقویت می‌کند.

در نظام تربیتی اسلام، سستی، بیکاری و تنبلی و کسالت که عواملی مهم در سرکوب و عدم شکوفایی استعدادها هستند، نفی و مذمت شده‌اند؛ حال با توجه به‌معنای لغوی عدل، خداوند به هر موجودی آنچه استحقاق و شایستگی آن را داشته، عطا نموده و در این قابلیت سستی نورزیده و در مقام افاضه و ایجاد، استعدادی را تعطیل نکرده است که این خود مبین رابطه و تأثیر اعتقاد به عدل الهی در شکوفایی استعدادها و رفع تنبلی و کسالت می‌باشد؛ چراکه خداوند متعال زمینه‌های رشد و تعالی انسان و ازجمله شکوفا نمودن استعدادها را برای همه مهیا نموده است و همه افراد با چنین اعتقادی می‌توانند در جهت شکوفا نمودن استعدادهای خویش در سایه کوشش ـ که ضد تنبلی و کسالت است ـ گام بردارند.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

مسلم است که ضعف در چنین اعتقادی به عدم شکوفایی استعدادها و به هدر رفتن آنها می‌انجامد و خودبه‌خود به کسالت و تنبلی و از دست رفتن فرصت‌ها و پشیمانی منجر خواهد شد. امام علی﵇ فرمودند: «التَّوانِي اِضاعَةٌ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۵ / ۱۳۴) و امام صادق﵇ فرمودند: «اِیّاک و الکسَلَ و الضَّجَرَ فَاِنَّهُما یَمْنَعانِک مِنَ حَظِّک مِنَ الدُّنْیا و الآخِرَة.» (همان: ۵ / ۱۳۲)

اعتقاد به عدل الهی در شکوفایی استعدادها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام تربیتی اسلام، خود را در زمان بروز مصائب، مشکلات و سختی‌ها به بهترین وجه نشان می‌دهد؛ چراکه مصائب و مشکلات بهترین وسیله برای شکفتن استعدادها و ظرفیت‌های درونی انسان‌هاست و اگر انسان با مشکلات و مصائب روبرو نشود، استعدادهایش از قوه به فعل تبدیل نخواهد شد. (سبحانی، ۱۴۲۳: ۱۷۸)

نتیجه

۱. در پرتو اعتقاد صحیح و توجه به عدل الهی می‌توان به آثار اخلاقی و تربیتی آن در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی دست یافت و به رشد کمال رسید.

۲. عدل الهی پیشینه‌ای به درازای سابقه اسلام و حتی قبل از آن دارد؛ گو اینکه از اصول دین و در معرض افکار و انظار مسلمین بوده است و ازاین‌جهت از نظر قرآن، سنت، کلام، دیدگاه دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی، فلسفه اسلامی و غرب و ادیان آسمانی مورد توجه، بحث و چالش قرار گرفته است و همگی در اثبات آثار آن در صحنه اعتقادی، اجتماعی و فردی بحث‌های علمی بسیاری داشته‌اند.

۳. به‌لحاظ مفهوم‌شناسی، مفهوم عدل الهی در سه حوزه تشریعی، تکوینی و جزایی مرتبط با آثار آن در نظام تربیتی و اخلاقی اسلام است و اعتقاد در این سه حوزه، نظام تربیتی را کارآمد می‌کند و کارآمدی این نظام چیزی جز رساندن فرد و اجتماع به اهداف عالی آن نیست.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. *نهج‌البلاغه*، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات صحفی.

۳. *صحیفه سجادیه*، ۱۳۸۱، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالفکر، چ۲.

٤. ابن‌منظور، ١٤١٦ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۳، *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

٦. بطحایی گلپایگانی، سیدهاشم، ۱۳۷۷، *اخلاق تحلیلی اسلام*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

۷. پرور، اسماعیل، ۱۳۸۲، ***گلبانگ عدالت***، قم، بوستان کتاب.
۸. جزایری، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۲، ***دروس اخلاق اسلامی***، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۹. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، مجموعه مقالات ***کنگره بین‌المللی امام علی***ﷺ، به اهتمام مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. ــــــــــ، ۱۳۸۳، ***مبانی اندیشه اسلامی ٤***، زیر نظر محمود فتحعلی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.
۱۱. حرعاملی، حسن بن محمد، ۱٤۱۲ق، ***وسائل الشیعه***، قم، مؤسسه آل البیتﷺ الاحیاء التراث.
۱۲. خواص، امیر و دیگران، ۱۳۸۵، ***فلسفه اخلاق***، قم، دفتر نشر معارف.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳٤۱، ***لغت‌نامه***، زیر نظر محمد معین، تهران، بی‌جا.
۱٤. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، ۱۳۸۰، ***اخلاق اسلامی***، ویراست دوم، قم، دفتر نشر معارف، چ ۲.
۱۵. راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ***المفردات فی غریب القرآن***، بیروت، دارالعلم الشامیه.
۱٦. ــــــــــ، بی‌تا، ***معجم مفردات الفاظ القرآن***، بیروت، دارالفکر.
۱۷. سبحانی، جعفر، ۱٤۲۳ق، ***محاضرات فی الالهیات***، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، قم، مؤسسه امام صادقﷺ، چ ٦.
۱۸. شاملی، عباسعلی، ۱۳۸٦، ***مجموعه مقالات تربیت اخلاقی پیش‌فرض‌ها و چالش‌ها***، قم، دفتر نشر معارف.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱٤۱۷ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.
۲۰. طوسی، محمد بن محمد بن حسن (خواجه نصیرالدین طوسی)، ۱۳۵٦، ***اخلاق ناصری***، تنقیح و تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲۱. عبده، محمد، بی‌تا، ***شرح نهج‌البلاغه***، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و النشر.
۲۲. غرویان، محسن، ۱۳۷۹، ***فلسفه اخلاق***، قم، پیک جلال، چاپ دوم.
۲۳. قمی، شیخ عباس، ۱٤۰۵ق، ***مفاتیح الجنان***، قم، مدرسه امیرالمؤمنینﷺ.
۲٤. کریمیان صیقلانی، علی، ۱۳۸٤، ***علم اخلاق***، قم، دارالهدی.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰۳ق، ***بحارالانوار***، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، الطبعة الثالثه.
۲٦. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۵، ***میزان الحکمه***، ویرایش دوم [با ترجمه فارسی]، قم، دارالحدیث، چ ۸ .
۲۷. مشکینی، علی، ۱۳۷٤، ***دروس فی الاخلاق***، قم، نشر الهادی.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸٦، ***فلسفه اخلاق***، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۳.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]

۲۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳٦۷، ***عدل الهی***، قم، انتشارات صدرا، چ۳.

۳۱. ــــــــــ، ۱۳۷٤، ***تعلیم و تربیت در اسلام***، قم، انتشارات صدرا، چ ۲٦.

۳۲. ــــــــــ، ۱۳۸۵، ***بیست گفتار***، قم، انتشارات صدرا، چ ۵.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸٤، ***زندگی در پرتو اخلاق***، قم، انتشارات سرور، چ ۵.

۳٤. موسوی، سید جمال‌الدین، ۱۳۸۰، ***عدالت اجتماعی در اسلام***، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۳۵. نراقی، احمد، ۱۳۸۱، ***معراج السعادة***، قم، انتشارات هجرت، چ ۸ .

۳٦. نراقی، محمدمهدی، ۱۳۸۳، ***جامع السعادات***، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۳.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.9.5]